

www.KetabFarsi.com



اسناد

پیام کانون نویسندگان ایران (در تبعید)

به مناسبت

سی امین سالگرد تأسیس کانون نویسندگان

و

بیستمین سالگرد برگزاری شبهای شاعران و نویسندگان

کانون نویسندگان ایران سی ساله شد . سی سال زمانی چندان دراز نیست ، آنهم در فرهنگ و ادبی که قرنهایست نوشته می شود و خوانده می شود . اما عناد و خصومت نظام سیاسی ، سرکوب و خشونت پایدار حکومت و حکومتیان ، از دیروزها تا امروزها ، از همین شمار اندک سالها برای جمع و انجمنی چون کانون نویسندگان ایران ، عمری دراز ساخته است که دوام و قوامش دراز و درازتر باد .

در تاریخ تحولات این و یا آن جامعه ، زمانهایی می رسد که اقدام و انتخاب و حرکت جمعی محدود و محدود ، طنین دورانسازی می یابد و زمانه را رنگ و بویی دیگر می بخشد . اینجاست که کمیت محدود ، از کیفیت انگیزه ها و صمیمیت و عمق باورها پشتوانه می گیرد و در این زمینه یا آن زمینه از واقعیت اجتماعی اثرهای پابرجا می گذارد ، الگوهای نویسی در پندار و کردار و گفتار می آفریند ، سرمشق می شود و کینه ها بر می انگیزد و دوستی ها می آورد . کانون نویسندگان ایران از جمله مصادیق صحت چنین مدعایی است : گروهی از نویسندگان که " دفاع از آزادی بیان " و به دنبال آن " دفاع از منافع صنفی " اهل قلم را وجه همت خود قرار دادند . از همان آغاز ، آنانکه بر این راه گام نهادند بسیار نبودند . در میان نام آوران فرهنگ معاصر ، بسیار بودند که چنین راهی را نمی پسندیدند و یا خود را پوینده آن نمی دیدند ، اما آن قلمدارانی که به این مهم برخاسته بودند دیگر از پای نشستند و هر زمان نیز که فرصتی دست داد به طنین گسترده و پایدار کلام خود در جامعه آگاهی یافتند . و " شب های شعر " کانون نویسندگان ایران در پاییز ۱۳۵۶ یکی از این فرصتها بود : هزاران نفر ، از بزرگ و کوچک و پیر و جوان و زن و مرد به دعوت کانون پاسخ داده بودند تا مبارزه با خفقان و سانسور و خودکامگی را قوام و قوت بیشتری بخشند و کلام آزاد شده را به گوش بنشانند . دستاورد بزرگ کانون از جمله همین است : اعتراض به سانسور را به یک اعتراض دایم و پایدار بدل کردن و از این اعتراض ، محوری ساختن در دفاع از شرف و حیثیت کلمه و کلام و متکلم و گوینده و خواننده .

کانون ، کانون اعتراض است : اعتراض به سانسور ، که سانسور یعنی اعدام سخن و اندیشه و کلمه و واژه و لغت و معنی . کانون علیه اعدام ایستاده است : اندیشه مرز نمی شناسد ، کلمه روادید نمی خواهد . بگذارید که مردمان بیندیشند ، بگویند ، بنویسند ، بخوانند . این است راستای پیام کانون ، از آغاز تا کنون و از اکنون تا آن زمان که آزادی سخن ، اندیشه و پندار و گفتار و نوشتار واقعیت روزانه در زندگی همگان شود . تا باشد ، کلام بر زبانها روان باشد و کلمه بر قلمها جاری . نه اندیشه ای را بقبولانند و نه اندیشه ای را در بند آورند . در دنیای اندیشه هیچ چیز مقدس نیست . قدوسیتی اگر است ، نقد است و شک . و همین .

معنای این سخن از جمله آن است که کلام و فکر و قلم حاجت به قیم ندارد . اندیشه و سخن " ولایت فقیه " بر نمی تابد . مردمان عقل و هوش و گوش دارند : می دانند چه می خواهند و می فهمند چه می گویند . حاجتی به فرمانده و رهبر و ممیز و ولی فقیه ندارند که اینهمه در ذات خود کامگی ریشه دارد . همین و بس . و پس برچیده باد !

پس کانون ، کانون گروه نه هیچگاه بسیاریان نویسندگانی بوده و هست که به اعتراض به سانسور برخاسته اند و آزادی کلام را می جویند .

اما این تنها دستاورد کانون نیست . دستاورد دیگر کانون در این است که همواره این فعالیت و مبارزه خود را مستقل از احزاب و گروههای سیاسی دنبال کرده است . این استقلال عمل ، که امتیاز و تشخیص کانون را در زندگی سیاسی اجتماعی ایران دوران معاصر موجب شده است . گاهی هم بستر یکی از تنشهای تند در فعالیت کانون بوده است . کانون اگر مانده است ، در استقلال از قدرت سیاسی از حاکمان ، از گروهها و احزاب سیاسی ، از بینشها و باورهای عقیدتی پایدار مانده است .

کانون هیچگاه محفل وفاق و وحدت تام و تمام نبوده است . بحث در اندیشه چندگانگی را به همراه دارد . اما کانون همواره نیز تعلق خاطر عمیق خود را به حفظ و رعایت اصول و هدفهای خود نشان داده است .

چنین است که در زندگی کانون ، اینکه چه می اندیشیم ، سفید را می پسندیم یا سبز و سرخ و ارغوانی و آبی نیلگون را ، آنقدر مهم نبوده است که می پسندیم همه آزاد بیندیشند . روشن است که کانونیان همه یکسان نمی اندیشند . و باز هم روشن است که چند گونه می اندیشند . هر کس به آنچه درست می پندارد می اندیشد . اما این چندگونگی اندیشه ها و باورها ، بر محور واحدی حیات می یابد : آزادی همه اندیشه ها و باورها . این تنها مرام ماست . هر یک از ما در رعایت و دفاع از این اصل است که هویت می یابد و کانونی می

شود . کانون نمونه پایدار ، اگر نه تنها نمونه ، سازمانهای صنفی - سیاسی در ایران معاصر است که توانسته است در طی سی سال ، در ایران و در تبعید دوام یابد و بر اساس اصول زندگی سازمانهای دموکراتیک سازمان پذیرد و فعالیت کند . هر چند در برابر حاکمان و علیرغم میل و خواست ایشان . رسیدن مردمسالاری در ایران با قوام و قوت و تعدد نهادهایی چون کانون نویسندگان ایران تسریع و تحکیم می شود . و از این دیدگاه ، فعالیت کانون ادای دینی است برای پایگیری و گسترش و نیرویابی فرهنگ دموکراتیک در جامعه گرفتار آمده در بند استبداد ایران معاصر .

کانون نویسندگان ایران ، کانونی است از نویسندگان . و پس کانون اهل فرهنگ است و فرهنگ در تماس با دیگران است که فرهنگ می شود . دیگری هر که باشد ، دشمن نیست ، مخاطب است ، هم صحبت است . می گوید و می شنود . این گفت و شنود ذات فرهنگ است . آن حاکمان که در پس هر سخن ، پیام جاسوسی می بینند و در هر سخنگو ، جاسوس و مزدور و خبرچین ، مدافعان و مبلغان فرهنگ تحمیق و بلاهتند . فرهنگ یعنی سخن با دیگری گفتن . از دیگری و دیگران شنیدن و خواندن و دیدن . کانون نویسندگان در راه چنین فرهنگ گشوده ای بر روی جهان گام نهاد . نه دیروز غرب زده بود و نه امروز عرب زده . هم دیروز با انقیاد فرهنگی و از خود بیگانگی فرهنگی آشتی نداشت و هم امروز بریدگی از سنتهای فرهنگ گذشته ایران را بر نمی تابد .

این هم دستاورد دیگری از کانون بود : دنیای فرهنگ ، دنیای تکفیر و ارتداد نیست . دنیای گفت و گو و داد و ستد و نشست و برخاست است .

هر انجمن و کانونی ، زمان به زمان ، در فرصتی باید بنشیند و به گفته و کرده خود نظر اندازد ، کارنامه اعمال را به نقد گذارد و نفسی بگیرد تا راه را دنبال کند . این قاعده بازی در زندگی نهادهای دموکراتیک است . کانون نویسندگان ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده است . پرسش از " موضع کانون " و بحثهای طولانی در این زمینه که هر چند زمانی از نو آغاز می شود و نشانی از تعلق خاطر کانون به رعایت این قاعده است . اکنون نیز بزرگداشت از بیستمین سالگرد شهبای شعر گامی ست در همین راه . کوشش برای خودستایی و خود بزرگ بینی نیست که تلاشی ست برای اندیشیدن و بازاندیشیدن در پرتو تجربه ای از یکی از لحظات مهم و تعیین کننده روند انقلاب بزرگ ایران . به سخن ما که گفته خواهد شد گوش فرا دهیم .

اکنون پیام چیست ؟ با یاد که هستیم ؟ بر سر چه پیمانیم ؟

تنها پیام این است : آزادی ، آزادی و باز هم آزادی . آزادی در اندیشه ، آزادی در سخن ، آزادی در قلم . آزادی در پندار ، آزادی در گفتار ، آزادی در کردار .

پیام هشدارآمیز این است : امروز ، فرهنگ ایران در مخافتی عظیم گرفتار آمده است : متشرعانی که به حکومت رسیده اند ، تنها آن شرع و شرعیات را که خود می پسندند ، روا می دانند و بر هر چه جز این باشد ، مهر باطل و کفر می گذارند و در این راه از هیچ راه از هیچ نمی هراسند : جعل تاریخ ، قلب واقعیت ، شستشوی مغزی ، تبلیغ ، تحمیق ، زندان ، زجر ، شکنجه ، قتل و آدمکشی . به این ترتیب است که نوعی دوگانگی فرهنگی بر جامعه امروز ایران تحمیل شده است : فرهنگ حاکمان بر پایه ارزشهای متشرعان و فرهنگ همه دیگران بر پایه ارزشهای عرفی و غیر شرعی . همچنان که همه می دانند و می گویند ، این دوگانگی فرهنگی به استقرار نوعی آپارتاید فرهنگی انجامیده است . کانون نویسندگان ایران این نظام تبعیض فرهنگی را مردود می شمارد و تکیه بر ارزشهای عرفی و غیر مذهبی را وظیفه خود می داند . جدایی اعتقادات دینی از زندگی اجتماعی و سیاسی تنها راه برای پایان بخشیدن به این آپارتاید فرهنگی است . جدایی دین از دولت ضرورت کنونی جامعه ماست و این در راستای پیکار آزادی طلبانه کانون قرار می گیرد .

پیام ما به سلمان رشدی ست ، به تسلیمه نسرین ، به همه رشدیها ، به همه نسرینها . در ایران ، در مصر ، در هند ، در چین ، در پاکستان ، در الجزایر ، در افغانستان . در همه جا . با شما هستیم . دشمنان شما را دشمن می داریم . دشمنان ما ، دشمنان شما نیستند . به یاد داشته باشید که فرج سرکوهی با شماست . پایدار بمانید که پیروز هستید .

پیام ما این است : فرهنگ و هنر و ادب ، آنجا که به دام جزمیات گرفتار آید ، در سلطه اهریمنان در آمده است . اندیشه آزاد اهورایی ست . اهورایی باشیم . نبرد با جزمیات ، نبرد ماست .

این است پیامی از سرزمین کسروی ، سلطانپور ، ارانی ، فرخی ، میرزا آقاخان کرمانی ، کریمپور شیرازی ، عشقی برای رشدی ، برای نسرین ، برای رشدیها ، برای نسرینها .

احترام عمیق ما همراه شماست . بدانید که هر جا ، که نویسندگان ایرانی از آزادی بیان و حرمت عقیده و اندیشه دفاع می کنند ، شما هستید که دفاع می شوید . و این اعتراضی ست در راستای سنتهای فرهنگ بزرگ ایرانی ، که بر خرد و ارزشهای والای انسانی تکیه دارد و نه بر مشتکی جزمیات ناهمگون .

تنها توشه ما تلاش بی آرام گذشتگان است : میرزا آقاخان کرمانی ، میرزاده عشقی ، احمد

کسروی ، فرخی ایستادگانی در برابر خودکامگی ، خشک اندیشی ، قشریگری و خفقانند
تلاش اینان توشه راه ماست .

تنها یاد ، یاد بیدار هم‌رهان است : آل احمد ، ساعدی ، اخوان ، اوصیاء ، محجوبی ، رفعت
صفایی ... و بعد هم سوگند و پیمان که ننشینیم ، تا ندانیم سعید سلطانپور چه شد ؟
سعیدی سیرجانی چه شد ؟ فریدون فرخزاد چه شد ؟ احمد میرعلایی چه شد ؟ زالزاده چه شد ؟
غفار حسینی چه شد ؟ احمد تفضلی چه شد ؟ یاران را چه شد ؟ این بازخواست ماست از شما
! ای در حکومتیان ، کوتاه آستینان . بازخواستی در همه حال پابرجا تا تابش نور حقیقت بر
این در مرگ افتادگان . این یک در میان گذری ، آن یک در کنار راهی ، یکی در خانه ،
یکی در زندان ، آن یک در تیرباران . هر یک به گونه ای فتاده در خون خود . چند تنی از
شمار قافله ادب و فرهنگ و قلم ایران امروز در تلاش برای ایرانی آزاد و برای فرهنگی بارور و
گشوده بر روی جهان از دیروز تا فردا و فرداها .

یادشان بیدار ، راهشان پایدار ، یاد راه منی شود .

این یاد راه ماست : راه آزادی ، راه آزاداندیشی ، راه آزادسختی ، راه آزادنویسی .

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)

نوزدهم آبان ۱۳۷۶

۱- علی آینه

پژواک ، دفتر شعر

چاپ نخست: پاییز ۱۳۷۵

چاپ و صحافی: انتشاران باران

نشانی ناشر: Den

Box: 17150

20010 Malmö, Sweden.

دفتر شعر علی آینه شامل طرح و نقاشی‌هایی از مارکو لیا اهل شیلی است. علی آینه دبیر کانون فرهنگی و هنری ایرانیان و بانی جشنواره شعر در مالمو است. پژواک دو زبانه است. این هم تکه‌ای از شعر سال ۲۰۰۰ که شاعر آن را به مادرش تقدیم کرده است: شیشه‌ای است گیج میان تو و من / که ۲۰۰۰ بار مرا / بزرگ می‌کند / تا با امواج سال ۲۰۰۰ / دیده بوسی کنم.

۲- حمید احمدی

خاطرات بزرگ علوی

کتاب نخست از مجموعه تاریخ شفاهی چاپ ایران

چاپ اول، تابستان ۱۹۹۷

ناشر: نشر باران، سوئد.

خاطرات بزرگ علوی برای همه آنانی که به تاریخ جنبش چپ ایران علاقمندند و نیز به زندگی و کار نویسنده‌ای که نقشی مهم در ادبیات معاصر ایران داشته است کتابی است خواندنی. کار حمید احمدی در اجرای طرح تاریخ شفاهی چپ ایران ستودنی است. نخستین کار او، سندی است مهم که نشان می‌دهد مولف با چه دلسوزی و زحمتی، برای سامان دادن به کار، آستین بالا زده است.

۳- روشنگر بیگناه

شوق، راه‌های در پیش روستا. مجموعه شعر

چاپ اول ۱۹۹۷

ناشر: نشر باران، سوئد

این هم یک شعر کوتاه از این مجموعه: درها را یک به یک می‌بندم /
پرده‌ها را می‌کشم / چراغها را خاموش می‌کنم / در پستوهای تو در تو /
در کنج تاریکترین اتاق خانه‌ام / به عشق می‌اندیشم.

۴- منصور خاکسار

لس آنجلسی‌ها - دفتر شعر

چاپ اول، زمستان ۱۹۹۷

ناشر: نشر دنا

نشانی: P.O. Box 3953

Seattle, WA 98124-3953

لس آنجلسی‌ها هشتمین دفتر شعر از منصور خاکسار است. خاکسار، درسالهای ۴۱ و ۴۲ مسئولیت دفترهای هنروادبیات جنوب را به‌عهده داشت. لس آنجلسی‌ها که در حال وهوای غربت و تبعید سیر می‌کند، پروازی است بلند از این شاعر آشنای میهن‌مان. شعرها سرشار از تصاویر نو و خیال‌انگیز از تبعید است: خواب‌گردی مهاجرم / و گام‌هایم فرسوده است / مهماندارم کو / تاسایه‌ای تعارفم کند /

تنهایی شاعر در شعرها بعدی فلسفی می‌یابد: / می‌دانم که قرمطمی‌ام / در Third / street /

و زبان شعرها ساده و روان است و معناهای عمیق خفته در واژه‌ها صمیمیت ویژه‌ای را القا می‌کنند: / قیاس کوچکی دارم / از عشق / و زیبایی / آنگاه که / سنجاقک / در گردش نگاهم / می‌رقصد /

۵- عباس سماکار

درآمدی بر نقد ساختارهای زیبایی‌شناسی

چاپ اول: زمستان ۱۳۷۴

ناشر: نشر آموزش، سوئد.

نویسنده در پیش‌درآمدی بر این کتاب نوشته است: کوشش عمده این مقالات بر روشن ساختن جنبه‌های ساختاری نقد ادبی و هنری است. کتاب شامل یازده بخش است: ادبیات و هنر، اسطوره، حماسه و شعر، داستان، تئاتر، رقص، موسیقی، نقاشی، پیکره‌سازی، معماری و سینما.

۶- سردار صالحی

از پیش‌شانه شاه (سیری در سفر فرنگستان ناصرالدین شاه)

ناشر: مرکز نشر دنا. چاپ اول ۱۹۹۷

Oostzeedijk 362

نشانی ناشر:

3063 CD Rotterdam, Holland.

"از پس‌شانه شاه" کتابی است خواندنی و دلنشین. سردار صالحی داستان‌نویس، این بار در چهره محقق و یا گردآورنده‌ای، جدا از تعقیب خاطرات سفر شاه از طریق یادداشت‌های او، در ارتباط با شخصیت شاه شاهان جا‌جا تعبیر و تفسیرهای می‌آورد، که هوشیارانه و خواندنی است:

"ناصرالدین شاه، شاهی است شهره به خوشباشی، اما ایرانی است. آن‌ته جانش تلخایی نشسته است که هیچ نبیذی تریاقش نمی‌شود. جد امپراطور لذت کاهو سکنجبین را نچشید و مُرد. باخت. تلخای همین زمان گذرنده است که او را وامی‌دارد خوشباشی پیشه کند و دم با طرب گذرنده را دریابد."

۷ - مسعود نقره کار

طرح مقدماتی تاریخچه کانون نویسندگان ایران (درتبعید)

چاپ اول ۱۳۷۵

ناشر: نشر آینده - ونکور، کانادا

مسعود نقره کار در مقدمه‌ای براین طرح نوشته است: "این کتابچه درخواستی را می‌ماند. درخواست از همه شما عزیزان که با فرستادن اسناد و مدارک و هر نوع نوشته‌ای در باره کانون نویسندگان ایران و کانون نویسندگان ایران (درتبعید) سبب شوید که تاریخچه کانون، واقعی و دقیق تدوین شود."

نشانی مولف : P.o. Box 951925

Lake Mary, FL, 32795 - 1925

U. S. A.

۸ - رضا قاسمی

همنوایی شبانه ارکستر چوبها، رمان

چاپ اول: ۱۳۷۵ (۱۹۹۶) آمریکا

ناشر: نشر کتاب، Nashr-e-Ketab Corp.

Los Angeles, California

Fax: 310-444-1947

همنوایی شبانه ارکستر چوبها، رمانی است در باره تبعید. جهانی مورد بحث که درگیر آن هستیم. رضا قاسمی در این رمان با نگاهی کاوشگر و با ایجاد خانه‌ای که میزبان و مهمان، موجر و مستاجر درگیر جهان خود و غیر هستند به تماشای وضعیت پریشان ما در اکنون نشسته است. ساختار کار و نوع پرداختن به موضوع تبعید از فاصله، در کار قاسمی نو و قابل تامل است.

۹- قدسی قاضی نور

تکه‌های آئینه، مجموعه داستان

چاپ اول بهار ۱۳۷۵

ناشر: نشر دامنه، هلند.

این مجموعه شامل ۷ داستان کوتاه است. در این مجموعه قدسی قاضی نور شاعر و نقاش را می‌توان دید. داستان‌ها از ورای پرده‌ای رنگی و گاه سایه‌وار خیال، تجربه‌های داستان‌نویس را بازآفرینی می‌کند. داستان نسبتاً بلند "پرواز" در این مجموعه اوج درهم‌آمیزی اینگونه تجربه است.

۱۰- قدسی قاضی نور

واژه زخمی، مجموعه شعر

چاپ اول زمستان ۱۹۹۵

ناشر: دامنه، هلند

این هم یک شعر کوتاه از این مجموعه: لاک خالی حلزونی / یک صندلی خالی / و نگاه ثابت تو در قاب عکس / موزه کوچک من. /

۱۱- ساسان قهرمان

کافه رنسانس، رمان

چاپ اول پاییز ۱۹۹۷

ناشر: نشر افرا

Afra Co.

1057 Steeles Ave.

West, P.O.B. # 739

North York, Ont. M2R 3X1 Canada.

نشانی

کافه رنسانس، رمان تازه‌ای است از ساسان قهرمان. قبلاً از ساسان قهرمان

کافه رنسانس، رمان تازه‌ای است از ساسان قهرمان. قبلاً از ساسان قهرمان رمان خوب "گسل" را خوانده‌ایم. ساسان قهرمان رمان نسلی را می‌نویسد که بعد از انقلاب با سیاست آشنا شده و به مبارزه کشیده شده و راهی تبعید شده است. این نسل اکنون برجسته‌ترین بخش چهره مهاجران و تبعیدیان را تشکیل می‌دهد.

ساسان قهرمان در هر دو رمانش، به چهره آدم‌های این نسل پرداخته است. نویسنده نگاه کاوشگرانه و تیزی دارد. و به جهان و به آینده با همه پریشانی مسلط، روشن و امیدوار نگاه می‌کند. اگر در "گسل زن داستان قرص و محکم بر خاک تازه می‌ایستد تا ریشه‌های تازه‌اش را جستجو کند و جوانه تازه بزند، در کافه رنسانس زن او، هم نویسنده است هم کاراکتر داستان. هم محور حادثه و هم جستجوگر نقش و نسل خود است. "گوهر"ی در گذشته که خود را در "ژانت" و یا ستاره ادامه می‌دهد.

۱۲ - مانی

خشت و خاکستر، اتوبیوگرافی

چاپ دوم، ۱۹۹۷

ناشر: کتاب ارزان سوند

نشانی: Kitab-i-Arzan

Barnarps Gatan 31

553 16 Jönköping / Sweden.

این کتاب نخست در هفته نامه شهروند کانادا، به صورت پاورقی چاپ شده است. در این کتاب، مانی شاعر، زندگی خود و خانواده‌اش را با قلمی شیرین توصیف کرده است. شخصیت‌ها بسیار زنده توصیف شده‌اند. قلم واقع‌گرای مانی در این اثر چنان در تعقیب حوادث و بازسازی آن، در تاریکی‌ها فرو می‌رود که از آن رمانی بسیار دلنشین خلق کرده است.

DAFTARHAYE KANOON
IRANIAN WRITERS' ASSOCIATION
(IN EXILE)

No. 9

Postbus 9578
3506 GN Utrecht
The Netherlands